

تأثیر تجاری شدن کشاورزی بر نظام مالکیت زمین در دوره قاجار (مطالعه موردی: مازندران)

محسن بهشتی سرشت*، زهرا نادی، ذکرا الله محمدی، باقر علی عادل‌فر

دانشیار گروه تاریخ، همکار پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی؛ دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه بین‌المللی
امام خمینی؛ دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه الزهراء؛ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

تاریخ دریافت: (۹۶/۰۷/۰۵) تاریخ پذیرش: (۹۶/۱۰/۲۳)

The Impact of Agricultural Commercialization on the land ownership system In the Qajar period (Case study: Mazandaran)

Mohsen Beheshtiseresht, Zahra nadi, Zekrolah Mohammadi, Bagherali Adelfar

Associate Professor, History Department, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic
Revolution of Tehran; Ph.D. student of Iran after Islam, Imam Khomeini International University;
Associate Professor, History Department, Alzahra University if Tehran; Associate
Professor, History Department, Imam Khomeini International University

Received: (2017/09/27)

Accepted: (2018/01/13)

Abstract

The growth of capitalism in Iran and the dependence on the world market in the nineteenth century led to various spheres of economic and social in country influenced by the developments of the West and the global system during this period. This dependency also changed the agricultural sector as well and led to the growth of commercial agriculture. In this research, It has been tried to use the descriptive-analytical method and relying on the theory of dependent development and the use of archival documents, to be answered to this question that What is the effect of growing commercial agriculture on land ownership system in Mazandaran?

After reviewing and analyzing data and documents, this result was obtained that the growth of commercial agriculture has led to the importance of land and land management profitability and the cultivation of monetary products in nineteenth-century in Iran. This led to the tendency of the non-temperate classes of society, including traders, government officials and even foreigners to own land and agriculture. These people joined to the landowner class of the community to purchasing multiple lands and provided the ground for the expansion of private property and the master's Relationship. The growing need for arable land and the desire to expand personal property, Led to some action to lease land and even capture forcible of farmers' lands and minor owners of local that this issue, as the new landlord develops in Mazandaran, led to the landless many native farmers.

Keywords: Dependent development theory, Commercial farming, Land ownership, Mazandaran, Qajar period.

چکیده

رشد سرمایه‌داری در ایران و وابستگی به بازار جهانی در قرن نوزدهم سبب شد تا حوزه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی کشور در این دوره تا حدودی متأثر از تحولات غرب و نظام جهانی باشد. این وابستگی بخش کشاورزی را نیز دستخوش تغییر کرد و به رشد کشاورزی تجاری منجر شد. در این پژوهش تلاش شده تا با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر نظریه توسعه وابسته و بهره‌گیری از اسناد آرشیوی، به این پرسش پاسخ داده شود که رشد کشاورزی تجاری چه تأثیری بر نظام مالکیت زمین در مازندران داشته است؟

پس از بررسی و تحلیل داده‌ها و اسناد، این نتیجه حاصل شد که رشد کشاورزی تجاری در ایران قرن نوزدهم سبب اهمیت یافتن زمین و سودآوری زمین‌داری و زراعت فرآورده‌های پولی شد. این مسئله موجب گرایش طبقات غیرزمین‌دار جامعه، اعم از تاجران و دولتمردان و حتی اتباع خارجی به تملک زمین و کشاورزی گردید. این افراد با خریداری اراضی متعدد، به طبقه ملاک جامعه پیوستند و زمینه گسترش مالکیت خصوصی و مناسبات اربابی را فراهم آوردند. نیاز روزافزون به زمین‌های زراعی و تمایل به گسترش املاک شخصی، سبب شد تا عده‌ای به اجاره اراضی و حتی تصرف عدوانی زمین‌های کشاورزان و خرده‌مالکان محلی اقدام نمایند که این امر ضمن گسترش طبقه زمین‌دار جدید در مازندران، به بی‌زمین شدن بسیاری از کشاورزان بومی انجامید.

کلیدواژه‌ها: نظریه توسعه وابسته، کشاورزی تجاری، مالکیت زمین، مازندران، دوره قاجار.

*Corresponding Author: mbeheshtiseresht@yahoo.com
nadi.zahra90@gmail.com
Ze.Mohammadi@Alzahra.ac.ir
badelfar@yahoo.com

* نویسنده مسئول

۱. مقدمه

حکومت قاجار در قرن نوزدهم، با اندک تفاوتی، وارث نظام اجتماعی و زمین‌داری زمان صفویه شد. در این دوره، انواع مالکیت زمین عبارت بود از: ۱. اراضی خالصه یا اراضی دولتی؛ ۲. اراضی اشراف و نجبا، فرماندهان ارتش و رهبران ایلات و قبایل؛ ۳. اراضی موقوفه؛ ۴. املاک عمده مالکی؛ ۵. اراضی خرده مالکان. در مازندران طبق گزارش ملگونف^۱، بیشتر روستاها تحت مالکیت شاه بودند و گاهی توسط دولت اجاره داده می‌شدند. به عبارتی دیگر، زمین‌های خالصه به تیول داده می‌شدند و هر کس سرمایه کافی برای اجاره کردن روستا داشت، می‌توانست ارباب شود. در آن صورت «ارباب روستا را ملک و سکنه آن را رعایای خود محسوب می‌داشت که طبق سنت مجبورند برای او کار کنند.» (ملگونف، ۱۳۶۴: ۲۵۴). ورود و رشد سرمایه‌داری سبب وابستگی ایران به بازار جهانی و در نتیجه رشد کشاورزی تجاری گردید و این امر نظام مالکیت زمین در مازندران را تحت تأثیر خود قرار داد.

۲. پیشینه پژوهش

در بحث پیشینه پژوهش بایستی گفت که تاکنون تحقیق مستقلی در مورد تأثیر رشد کشاورزی تجاری بر نظام زمین‌داری مازندران ارائه نشده است. کتاب‌ها و مقالات متعددی درباره وضعیت روستاییان، زمین‌داری، کشاورزی تجاری در دوره قاجار نگاشته شده و هر کدام از دیدگاه خاصی به بررسی این مسائل پرداخته‌اند. برای نمونه کتاب مقاومت

شککننده از جان فوران که با استفاده از نظریه توسعه وابسته، نظام جهانی، شیوه تولید (اینگونه اصلاح شود: با استفاده از چند تئوری همانند نظریه توسعه وابسته، نظام جهانی و شیوه تولید) به بررسی تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران از صفویه تا انقلاب ۱۳۵۷ش پرداخته، اطلاعات ارزنده و مفیدی را در اختیار ما قرار می‌دهد، اما در باب تحول نظام مالکیت زمین اطلاعات مهمی ندارد. کتاب اقتصاد ایران در دوره قاجار از چارلز عیسوی، مقاله «رشد روستاییان در دوره قاجار از عبدالله‌یف نیز مطالب بسیاری با استفاده از داده‌های آماری از رشد کشاورزی تجاری، انواع زمین‌داری، بهره مالکانه و وضعیت دهقانان را در اختیار ما قرار داده‌اند، اما به طور تخصصی به بررسی وضعیت زمین‌داری در مازندران پرداخته‌اند. همچنین مقاله «اصلاحات مالی مجلس اول و اجرای آن در مازندران» از محمدعلی کاظم‌بیگی که به طور تخصصی مازندران را مورد بحث قرار داده و به بررسی وضعیت مالیاتی اراضی خالصه و تیول‌ها پرداخته، اشاره‌ای به تأثیر تجاری شدن کشاورزی بر نظام مالکیت نداشته است. در این مقاله با استفاده از اسناد آرشیوی کتابخانه ملی ایران و اسناد منتشر شده، همچنین با تکیه بر نظریه توسعه وابسته، ضمن بهره‌گیری از این آثار، تلاش شده که تأثیر رشد کشاورزی تجاری بر نظام مالکیت زمین در مازندران بررسی و واکاوی گردد.

۳. نظریه توسعه وابسته

توسعه مفهومی است که به ویژه پس از جنگ جهانی دوم و ظهور ملل تازه استقلال یافته و مسائل

1. Malgunov

آنان رواج یافت. توسعه به معنای عام، نشان‌دهنده یک حالت است، یعنی شرایطی که جامعه، به‌طور کیفی و همه‌جانبه، از امکانات کمی خویش در جهت آرمانی که برای خودش قائل است، استفاده می‌نماید (عباسی، ۱۳۸۳: ۲۶). از مهم‌ترین مباحث توسعه، تلاش برای ترسیم الگویی است که بتواند وقوع توسعه اقتصادی را در برخی از جوامع توضیح دهد و ریشه‌های توسعه نیافتگی را آشکار سازد. در واقع توسعه نیافتگی یعنی وضعیتی که به دلیل عدم هماهنگی بین عوامل اقتصادی و تکنولوژی کاربردی، امکان استفاده از سرمایه و نیروی کار در جامعه میسر نیست (فورتادو و گوندز فرانک، ۱۳۶۶: ۱۴۱). زمانی که جامعه‌شناسی توجه خود را به مسئله توسعه و توسعه نیافتگی معطوف کرد، بسیاری از محققان فرض‌شان بر این بود که ملت‌های جدید باید همان راه کشورهای اروپای غربی را طی کنند. از این رو نظریه‌هایی که در باب تبیین مرحله گذر از پیشاسرمایه‌داری به سرمایه‌داری و یا تبدیل جامعه سنتی به مدرن در کشورهای اروپایی اشاعه یافته بود، توسط محققان با اصلاحات مختصری برای مطالعه کشورهای افریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین عرضه شد (ازکیا، ۱۳۷۰: ۳۴). در مباحث تئوریک مربوط به اقتصاد توسعه، به‌طور عمده با دو نوع تئوری برخورد می‌کنیم:

الف) نظریه نوسازی: نظریه‌هایی که پدیده توسعه و توسعه نیافتگی را تنها با عملکرد عوامل درونی جامعه و ساختارهای داخلی مانند فرهنگ، اقتصاد و... تبیین می‌کنند.

ب) نظریه وابستگی: نظریه‌هایی که پدیده توسعه و توسعه نیافتگی را با عملکرد عوامل خارجی و با تأکید بر استعمار و وابستگی توضیح می‌دهند. از لحاظ تاریخی، بعد از شکست تئوری‌های مدرنیزاسیون که مدعی امکان توسعه و رفع فقر، گرسنگی و نارسایی‌های بهداشتی و... در کشورهای کمتر توسعه یافته بودند و همچنین شکست برنامه‌های کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای کشورهای آمریکای لاتین در دهه شصت میلادی، مکتب وابستگی ظهور کرد (عباسی، ۱۳۸۳: ۲۷-۲۸). دیدگاه وابستگی با وجود تنوع برداشت، نحوه ارتباط کشورهای سرمایه‌داری و جهان سوم را مورد توجه قرار داده است. در این دیدگاه دلایل اصلی عقب ماندگی و توسعه نیافتگی جهان سوم به ساختار نظام سرمایه‌داری ارتباط داده شده است؛ بدین معنی که توسعه نظام سرمایه‌داری موجب توسعه نیافتگی کشورهای می‌شود که در مرحله پیش سرمایه‌داری قرار دارند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰: ۲۷). براساس این نظریه، عوامل توسعه و توسعه نیافتگی در سیستم داخلی خلاصه نمی‌شود و شکاف عمیق موجود در جهان را باید در عوامل برون مرزی و جهانی، چون استعمار و استثمار جستجو کرد. زیرا با ورود استعمار، روند طبیعی توسعه جهان قطع شد و استثمار جهان را به دو قطب توسعه یافته و عقب مانده تبدیل کرد؛ بنابراین مسئله توسعه و توسعه نیافتگی هر دو با هم پیدا شدند و لازم ملزوم یکدیگرند (عباسی، ۱۳۸۳: ۳۳).

پژوهشگران علوم اجتماعی آمریکای لاتین در نیمه-ها و اواخر دهه ۱۳۴۰ش / ۱۹۶۰م به بسط نظریه توسعه نیافتگی پرداختند. از مهم‌ترین چهره‌های

بنیان‌گذار نظریه توسعه‌نیافتگی، کاردوسو^۱، نویسنده کتاب *وابستگی و توسعه در آمریکای لاتین*، را باید نام برد. (نقل قول جان فوران از کاردوسو بوده است.) اینگونه اصلاح شود: جان فوران به نقل از کاردوسو، تعریف مقدماتی وی از وابستگی که بر محدوده‌های توسعه تأکید دارد را اینگونه بیان می‌کند:

از دیدگاه اقتصادی، نظام هنگامی وابسته است که انباشت و گسترش سرمایه نتواند عنصر پویای لازم و اساسی خود را در درون نظام بیابد (فوران، ۱۳۸۹: ۲۳).

در این تعریف به یک نظام اقتصادی بین‌المللی اشاره می‌شود که در چارچوب آن ملت‌های مختلف، مواضعی را در سطوح متفاوت و نفوذ اشغال می‌کنند. در مرکز، کشورهای صنعتی پیشرفته، بازیگران کلیدی تکنولوژی و مالی را کنترل می‌کنند و با این امتیاز، به صورت‌های خاصی، صنعتی شدن مناطق حاشیه‌ای را شکل می‌دهند. توسعه در چنان شرایطی ناممکن نیست و از طریق افزایش دادوستد، ازدیاد تولید ناخالص ملی و صنعتی شدن ممکن است در کشورهای جهان سوم رشد اقتصادی روی دهد. این دستاوردها معمولاً با پیامدهایی منفی نظیر تورم، عدم اشتغال، مسائل بهداشتی، نارسایی آموزش و پرورش، کمبود مسکن و مانند اینها همراه می‌شود. از این جهت اینگونه توسعه، «توسعه وابسته» نامیده می‌شود که به معنای رشد در درون محدوده‌ها، پیشرفت و رفاه اقلیتی از مردم جامعه و رنج و حرمان اکثریت می‌باشد (همان:

۲۳-۲۴). کاردوسو با تلاش نظری و تجربی، رویکرد وابستگی را وارد فاز جدیدی کرد که از آن تحت عنوان وابستگی جدید یاد می‌شود. بدین ترتیب، به‌رغم مکتب سنتی وابستگی که روند توسعه‌نیافتگی کشورهای جهان سوم را یک‌طرفه در نظر می‌گرفت، کاردوسو استدلال می‌کند که این احتمال وجود دارد که توسعه وابسته یعنی «هم توسعه و هم وابستگی» را در کنار یکدیگر داشته باشیم (سو، ۱۳۷۸: ۱۶۹).

۴. رشد کشاورزی تجاری در مازندران

پیش از ورود به بحث اصلی، ضروری است به آغاز و رشد کشاورزی تجاری در ایران اشاره مختصری شود تا این‌گونه فرآیند وابستگی ایران به نظام جهانی در قالب نظریه مطرح شده ملموس‌تر گردد. توسعه اقتصاد بین‌المللی بعد از ۱۲۶۶ق/ ۱۸۵۰م، تحولات عمده‌ای در اقتصاد داخلی بسیاری از کشورها ایجاد کرد و ایران نیز از این امر مستثنی نبود. به علت پیشرفت تکنولوژی حمل و نقل، گشوده شدن کانال سوئز در سال ۱۲۸۶ق/ ۱۸۶۹م، تأسیس راه‌آهن و غیره، تجارت ایران وارد رقابت‌های بین‌المللی شد (McDaniel, 1971: 37). با نفوذ سرمایه خارجی در ایران، مقدمات رشد سرمایه‌داری وابسته و نابودی شیوه تولید پیشاسرمایه‌داری تسریع گردید (بدیع تبریزی، ۱۳۶۰: ۱۵). تحت چنین شرایطی نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران با تمام تلاش‌ها و مقاومت‌ها به مدار نظام سرمایه‌داری جذب و سرنوشت آن با رشته‌های متعدد به بازار جهانی وابسته شد (وطن‌خواه، ۱۳۸۰: ۲۶۵). بدین ترتیب، با توجه به نظریه توسعه وابسته،

۱. Cardoso

می توان تحول ایران در دوره قاجار را تحولی وابسته دانست، زیرا از خارج شکل گرفت و از نظر شکل و دامنه، محدودیت های زیادی داشت (فوران، ۱۳۸۹: ۱۷۰). پس از استقرار مشروطه نیز، سیر وابستگی ایران به بازار جهانی و تسلط کالایی استعمار سرمایه داری بر ایران همچنان ادامه یافت (رواسانی، ۱۳۹۰: ۱۴۵) و دوره بعد از مشروطیت را نیز، توسعه اقتصاد سرمایه داری وابسته تفسیر می کنند که به صورتی فزاینده، با مقتضیات انباشت سرمایه داری در کشورهای امپریالیستی غرب، انطباق داشت (ولی، ۱۳۸۰: ۲۵).

براساس نظریه توسعه وابسته، یکی از نتایج رشد سرمایه داری وابسته در ایران، تجاری شدن کشاورزی و تبدیل این کشور به بازار فروش کالاهای صنعتی اروپای غربی - به ویژه انگلستان - از سویی و تأمین کننده مواد خام و مواد غذایی آنها از سوی دیگر بود. از آنجایی که تأمین کالاهای مورد نیاز بازار جهانی برای زمین داران و تولیدکنندگان سود بسیاری داشت و نیز سبب فزونی قدرت سیاسی و تحکیم موقعیت اجتماعی آنان می گردید (عیسوی، ۱۳۶۲: ۸۴)؛ بسیاری از مالکان و زمین داران، زمین های زیر کشت غلات را به تولید محصولات مانند پنبه، برنج، خشخاش و توتون که فروش خوبی در بازار جهانی داشت، اختصاص دادند (کولاگینا، ۱۳۵۹: ۵۶). سودآوری فراوان محصولات پولی، سبب توسعه کشت برخی محصولات خاص گردید و حتی تولید و توسعه کشت برخی از محصولات از سوی کشورهای بیگانه تشویق گردید، برای نمونه کشت پنبه در نواحی شمالی ایران از سوی روسیه و کشت

خشخاش برای تهیه تریاک در نواحی جنوبی و در استان خراسان از سوی انگلستان حمایت می شد (فشاهی، ۱۳۶۰: ۲۸۲).

مازندران یا طبرستان، قطعه وسیع و زرخیزی از شمال ایران است که، از نظر اوضاع طبیعی و جغرافیایی، نسبت به سایر قطعات کشور موقعیت جداگانه و متمیزی دارد. مازندران در عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۳۷ درجه و طول جغرافیایی ۵۰ درجه و ۴۰ دقیقه و ۳۰ ثانیه تا ۵۴ درجه و ۳۰ دقیقه، واقع شده و در دوره قاجاریه، طبق گزارش رابینو، «حد غربی آن در مغرب، سرخانی - رود و شرق آن محدود به جرکلباد و شاه کوه» بود (رابینو، ۱۳۴۱: ۶۴). این خطه، به دلیل آب و هوا و خاک مناسب، بارندگی فراوان و منابع آبی کافی، قابلیت فراوان برای کشت محصولاتی مانند پنبه، برنج، نیشکر، ابریشم، کتان، کنف، باقلا، گندم، جو، خربزه، هندوانه و کدو را داشت (همان: ۳۴). بنا بر ادعای فریزر^۱ «رشد و تکثیر محصولات در مازندران اتفاقی و اکتسابی است» (فریزر، ۱۳۶۴: ۵۵۳) و از سوی دهقانان و کشاورزان اهتمام چندانی برای آبادی و نگهداری کشتزارها صورت نمی گیرد (ملگونف، ۱۳۶۴: ۲۴).

با تجاری شدن کشاورزی، بسیاری از کشاورزان مازندرانی به کشت محصولات پولی پرداختند و بدین ترتیب بسیاری از اراضی زراعی، با توجه به نیاز بازار جهانی، به کشت فرآورده های کشاورزی پولی اختصاص یافتند. برای نمونه، تولید ابریشم در طی سال های مدیدی کالای صادراتی مازندران و به ویژه گیلان (ابهامی دیده نمی شود) بود. اما شیوع طاعون

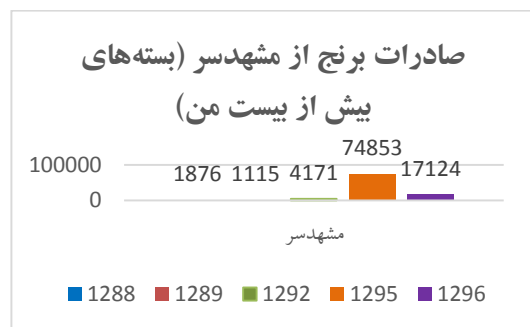
۱. Fraser

سبب شد تا بخش مهمی از تجارت بارفروش (بابل) به گیلان منتقل و موقعیت گیلان بر مازندران برتری یابد و کشتی‌های روسی به جای مشهدسر (بابلسر) در بندر انزلی لنگر ببندازند (فریزر، ۱۳۶۴: ۵۳۷-۵۳۸). با انتقال تجارت ابریشم از مازندران به گیلان و بروز آفت کرم ابریشم، تولید و تجارت این محصول با آفت مواجه شد، اما در همین برهه جانشین مناسبی برای ابریشم پیدا شد. با وقوع جنگ‌های انفصال در آمریکا و توقف صادرات پنبه به اروپا، کشت این محصول توسعه یافت به طوری که خسارت آفت صادرات سایر محصولات را نیز جبران کرد (هالینگبری، ۱۳۶۳: ۳۷). آنچه که باعث شد تولید پنبه جهت گیری صادراتی خود را حفظ کند، تداوم تقاضا برای پنبه ایران از سوی روسیه بود. طبق آماری که جمالزاده نیز ارائه می‌دهد حدود ۹۸/۵ درصد صادرات پنبه ایران به روسیه و باقی‌مانده به هند و عثمانی بود (جمالزاده، ۱۳۸۴: ۱۷). سودآوری کشت و صادرات پنبه، سبب گشت تا از سویی تاجران روسی و ایرانی با اعطای کمک مالی و بذری پنبه، کشاورزان مازندرانی را به کشت این محصول تشویق کنند (نوشیروانی، ۱۳۶۱: ۲۲۰) و از سوی دیگر، در سال ۱۲۸۲ق/ ۱۸۶۵م، نیشکرکاران مازندرانی که به دلیل واردات قند و شکر از روسیه، درآمد خود را از دست داده بودند، به کشت پنبه روی آوردند (کاظم‌بیگی، ۱۳۷۷: ۲۰۹). حتی بسیاری از ساکنان بین بندرگز و استرآباد که در پرورش اسب فعالیت داشتند، اسب‌های خود را فروختند و به پنبه-کاری مشغول شدند (رابینو، ۱۳۴۱: ۱۱۳). با شروع جنگ روسیه و ژاپن در سال ۱۳۲۵ق/ ۱۹۰۵م و افزایش قیمت قند در ایران، زمینه کشت و صدور

نیشکر مجدداً فراهم شد و بسیاری از نیشکرکاران که زمین‌های خود را به کشت پنبه اختصاص داده بودند، مجدداً به زراعت نیشکر پرداختند و کشت آن در نزدیکی کوهپایه‌ها و عمدتاً در حوالی ساری و بارفروش در طی سال ۱۳۳۸ق/ ۱۹۲۰م متداول گردید (کاظم‌بیگی، ۱۳۷۷: ۲۱۱). این امر نشان می‌دهد که نیازهای بازار جهانی تا چه حد بر نوع کشت مزارع تأثیر داشته است.

در این دوره، برنج نیز به عنوان کالای کشاورزی تجاری مورد توجه کشاورزان مازندرانی قرار گرفت. برنج مهم‌ترین محصول کشاورزی مازندران بود و این محصول به آستراخان یا حاجی ترخان، باکو، تهران و قزوین نیز صادر می‌شد (مکنزی، ۱۳۵۹: ۵۳). رونق تولید برنج در مازندران مانند سایر محصولات مدیون هم‌جواری با شوروی بود؛ زیرا مهم‌ترین شریک تجاری مازندران در این دوره، کشور روسیه بود. شرایط اقلیمی مازندران به گونه‌ای بود که حتی بازرگانان خارجی به کشت محصولات کشورهای خود در این منطقه ترغیب شدند. رابینو به حضور بازرگانان یونانی اشاره می‌کند که به ترویج بسیاری از نباتات ناحیه اودسا و از جمله کشت بوته‌های تنباکو و تهیه توتون اشتغال داشتند (طاهری، ۱۳۴۷: ۶۵). بدین ترتیب در طول سال‌های ۱۲۸۶-۱۳۱۷ق/ ۱۸۷۰-۱۹۰۰م. یک دگرگونی و جابه‌جایی در محصولات پولی صادراتی پدید آمد و به گفته نوشیروانی در سال‌های ۱۳۱۷-۱۳۲۷ق/ ۱۹۰۰-۱۹۱۰م:

دیگر نمی‌توانیم کشاورزی ایران را کشاورزی معیشتی قلمداد کنیم. در این دوره کشاورزی به خوبی در اقتصاد کشور ادغام گشته و روابط بازرگانی گسترش چشمگیری پیدا کرده بود» وی همچنین یادآوری می‌کند که با این



جدول شماره ۳

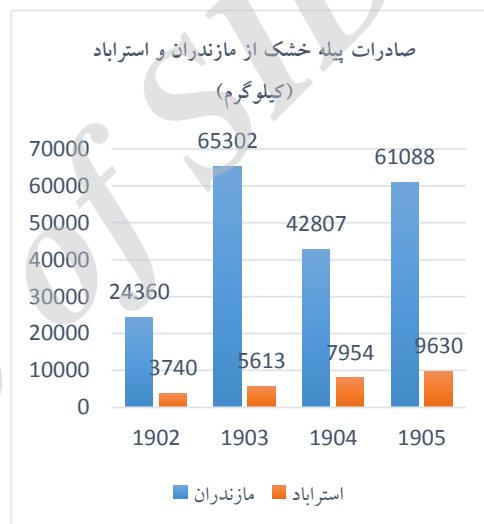
(منبع: احصائیه‌های تجاری سال ۱۲۸۸ تا ۱۲۹۶ ش.)

۵. رشد مالکیت خصوصی در مازندران

با تجاری شدن کشاورزی و نیاز به اراضی زراعی بیشتر، زمین ارزش بیشتری پیدا کرد و به دنبال آن گرایش به زمین‌داری و تملک اراضی فزونی یافت. در نتیجه اکثر مالکان و سرمایه‌داران با خرید روزافزون اراضی مزروعی در جهت نیل به این هدف گام برداشتند و بدین طریق روز به روز بر قلمرو مالکیت خود افزودند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۸۲). به جز مالکان عمده و خرده مالکان بومی مازندران، بسیاری از تاجران بومی نیز به سرمایه‌گذاری و خرید زمین علاقه نشان دادند. اسناد به جای مانده حاکی از آن است که برخی از تجار، با انعقاد مصالحه‌نامه‌هایی، تعدادی از روستاهای مازندران را خریداری و کشت و صدور محصولات را تحت نظارت خود قرار دادند. براساس آنچه در اسناد بازتاب یافته است، در سال ۱۳۳۵ ق/ ۱۹۱۶ م عبدالحمیدخان فرزند آقامحمدخان تاجر، طبق قراردادی، بخشی از روستای نجارکلا واقع در بلوک کیاکلا در بارفروش (بابل) مازندران را از دختر آقا میرزا ربیع مستوفی علی آبادی مازندرانی خریداری کرد (ساکما، سند شماره ۲۲۸۱۲/۲۹۶). حتی کارمندان و افسران روسی مقیم ایران نیز در معامله املاک و اراضی بزرگ مشارکت داشتند. از جمله اینها

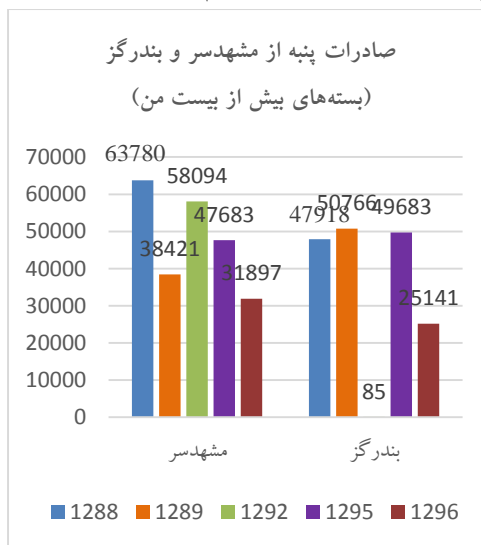
وجود «بسیاری از ویژگی‌های کشاورزی معیشتی باقی مانده است (نوشیروانی، ۱۳۶۱: ۲۲۸).

بازکاوای روابط بازرگانی خارجی ایران نیز در پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم، گواه افزایش وابستگی اقتصاد کشور به کشورهای رشدیافته سرمایه‌داری و تبدیل ایران به زائده کشاورزی و مواد خام آنهاست (کولاگینا، ۱۳۵۹: ۴۵). نمودارهای زیر وضعیت صادرات پیلۀ ابریشم، پنبه و برنج مازندران را در طی سال‌های مختلف نشان می‌دهند:



جدول شماره ۱

(منبع: مجله فلاحت و تجارت، سال دوم، شماره ۹، ۱۲۹۸: ۳۲۷)



جدول شماره ۲

(منبع: احصائیه‌های تجاری سال ۱۲۸۸ ش تا ۱۲۹۶ ش)

می‌توان به ژنرال پوتاپوف^۱ اشاره کرد که در سال ۱۳۳۱ق/ ۱۹۱۲م قطعه ملک بزرگی را در استرآباد (عبدالله‌یف، ۱۳۶۱: ۲۴۷) و ژنرال آنتونویچ^۲ املاکی در اشرف (بهشهر) (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۹: ۱۹۰) خریداری کردند. با حضور مالکان جدید نظام مالکیت در این دوره دستخوش دگرگونی‌های عمیقی شد، اگرچه انواع اساسی زمین‌داری تغییر چندانی نکرد، اما درصد زمینی که هر بخش کنترل می‌نمود، تغییر یافت. بارزترین تحول، گسترش میزان املاک خصوصی بود (فوران، ۱۳۸۹: ۱۸۸). نیاز به اراضی بیشتر برای کشت گسترده محصولات پولی و کسب سود، سبب شد تا عده‌ای با توسل به روش‌های غیرقانونی همانند تصرف عدوانی و یا اجاره کردن اراضی عمومی، املاک خالصه و تیول‌ها و در نهایت تملک آنها که در ادامه به بررسی آن پرداخته می‌شود، درصد گسترش املاک و زمین‌های شخصی خود باشند که این امر به گسترش مالکیت خصوصی در مازندران منجر گردید.

الف) تصرف عدوانی اراضی

تجاوز و تصرف عدوانی اراضی و املاک دیگران به بهانه‌های مختلف، یکی از راه‌های گسترش مایملک توسط اشخاص دارای قدرت مالی و اجتماعی بود. متنفذان محلی و خاندان‌های سرشناس مازندرانی یکی از گروه‌هایی بودند که با تکیه بر جایگاه اقتصادی و اجتماعی خود به تجاوز در املاک عمومی و خالصجات و تیول‌ها پرداخته و آنها را

تصرف می‌کردند. امیرمؤید به خاندان‌های موروئی و قدیمی مازندران تعلق نداشت و در زمان انتصابش به عنوان فرمانده فوج سوادکوه، زمینی در آنجا نداشت و اکثر زمین‌ها در دست خوانین موروئی مازندران بود (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۹: ۱۸۴). تبدیل وی به بزرگ مالک مازندران، نشان می‌دهد که وی پس از گرفتن پست نظامی در این منطقه به خریداری و غصب زمین‌ها پرداخته و به زمین‌دار بزرگ منطقه تبدیل شده است. بنا بر آنچه که در اسناد نیز بازتاب یافته است، فرزندان امیرمؤید سوادکوهی در سال ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۴م با استنکاف از پرداخت مالیات، خالصجات سوادکوه را تصرف و بر املاک خود افزودند (ساکما، سند شماره ۲۴۹۳/۲۹۳). همچنین در ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۳۷ق/ ۱۶ فوریه ۱۹۱۹م طبق گزارش لطفعلی‌خان کلبادی سردار جلیل، امیرمؤید و پسرانش بلوکات سوادکوه، شیرگاه، بابل‌کنار، لفور، صنم و دارکاشت را به زور تصرف کرده و از فیروزکوه تا هزار جریب را زیر سلطه خود درآورده بودند (ترکمان، ۱۳۷۸: ۲۳۰).

همچنین بسیاری از مقامات لشکری و صاحب‌منصبان اداری مازندران نیز در طی سال‌های مختلف بر املاک خود افزودند. در صدر این سران نظامی که به عمده مالکان مازندران تبدیل شدند، بایستی از محمدولی‌خان نصرالسلطنه تنکابنی (قدرت محلی محال ثلاث، تنکابن، کلارستاق، کجور در غرب مازندران)، محمدخان امیرمکرم لاریجانی (قدرت محلی لاریجان و آمل در بخش مرکزی مازندران) و لطفعلی‌خان سردار جلیل کلبادی (قدرت محلی شرق مازندران) نام برد (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۹: ۱۶۸). مقامات لشکری با استفاده از جایگاه و

۱. Potapov

۲. Antonovich

قدرت نظامی خود و ضعف دولت مرکزی، به قدرت‌های محلی تبدیل شدند و با خرید اراضی خالصه و تصرف عدوانی، زمین‌های خود را افزایش دادند. برای نمونه در ۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ق/ ۲۴ ژانویه ۱۹۱۵م دو قریه سرمحله و اوزینه که جزء قراء خالصه استرآباد محسوب می‌شدند، توسط حمزه استرآبادی و برای زراعت و کشاورزی در سال ۱۳۲۲ق/ ۱۹۰۴م خریداری شد. اما این دو روستا در سال ۱۳۳۳ق/ ۱۹۰۵م توسط گماشتگان سپهداراعظم تصرف شد و مالک حتی با واسطه کردن حجت‌الاسلام حاجی شیخ محمدحسن مجتهد، نماینده استرآباد، نیز نتوانست ملک غصب شده خود را پس گیرد (نوری و سربلو، ۱۳۹۰: ۳۶۵-۳۶۶). برخی از سران نظامی حتی با استفاده از موقعیت نظامی خود، به اراضی سایر نظامیان تجاوز می‌کردند؛ چنان‌که در سال ۱۳۳۵ق/ ۱۹۱۶م محمدخان مصباح لشکر، املاک متعلق به محمداسماعیل خان صارم الممالک (سرتیپ فوج دو دانگه) در ساری را به تصرف خود درآورد. این امر سبب شد همسر اسماعیل خان از وی به وزارت عدلیه ساری شکایت کند (ساکما، سند شماره ۲۹۸/۸۴۶۴۲).

از سوی دیگر، بسیاری از نیروهای دولتی که در پست‌های اداری و مالی در مناطق مختلف مشغول به کار بودند و اختیارات وسیعی داشتند، گاهی خود یا حتی وارث‌شان از اختیارات موقعیت شغلی سوء استفاده می‌کردند. برای نمونه در سال ۱۳۳۸ق/ ۱۹۱۹م وارثان میرزا یحیی، سر رشته‌دار (حسابدار) املاک سوادکوه و شیرگاه، به تصرف و تعرض در املاک و خالصجات سوادکوه پرداختند و حتی برای اثبات مالکیت خود به جعل سند دست زدند (ساکما، سند شماره ۲۴۰/۴۰۱۹۲). حرص و طمع در تملک زمین

به حدی بود که برخی از متنفذین محلی حتی اقدام به غصب زمین‌های موقوفه کردند. تصرف روستای موقوفه جعفرکلا در حوالی ساری توسط متنفذین محلی در سال ۱۲۹۹ش/ ۱۹۲۰م، که سبب اعتراض روحانیون و سازمان موقوفات به فرمانداری و وزارت کشور گردید، نمونه‌ای از این موارد است (ساکما، سند شماره ۲۹۳/۱۸۸۹).

علاوه بر ساکنین مازندران، بسیاری از بزرگان ساکن در شهرهای بزرگ، از جمله در تهران، نیز تلاش کردند تا زمین‌هایی در مازندران به نام خود ثبت نمایند. در همین راستا افرادی همانند سیدخلیل نظام‌العلماء و همدستانش در سال ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۴م، با صدور فرامین جعلی برای املاک مازندران، مدعی بسیاری از املاک و اراضی در مازندران شدند (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۹: ۱۸۱).

از دیگر قشرهایی که به سرمایه‌گذاری در زمین روی آوردند، تاجران بودند. علت اصلی روی آوردن این گروه، علاوه بر سودآوری صادرات محصولات پولی، ترس از سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌های تولیدی و صنعتی بود. در واقع تسلط تدریجی کالا و سرمایه خارجی بر بازار و اقتصاد ایران و واگذاری امتیازات گوناگون به دول امپریالیستی و سرمایه‌داران خارجی، موجب شد که از رشد سرمایه تجاری، ارتقاء آن به سطح سرمایه صنعتی در ایران جلوگیری به عمل آید (فشاهی، ۱۳۶۰: ۱۶۱). تاجران بومی نیز با استفاده از موقعیت اقتصادی خود و با تکیه بر حمایت متنفذین محلی به تصرف عدوانی زمین‌های دیگران پرداختند. به طوری که تصرف زمین‌های میرزامعصوم پسر میرزا محمدعلی مرحوم در سال ۱۳۲۷ق/ ۱۹۰۹م توسط آقا محمدعلی تاجر، سبب شکایت مالکان به وزارت

عدلیه مازندران گردید (ساکما، سند شماره ۲۹۸/۵۰۶۳۴).

گرایش به تملک زمین برای زراعت محصولات پولی نیز به اتباع بیگانه کشیده شد و بسیاری از شهروندان خارجی شروع به دست‌اندازی بر املاک شمال ایران نمودند. آنان با همکاری شعبه بانک استقراضی در شهرهای شمالی و ادعای اینکه مأمور بانک هستند به تصرف اراضی خالصه پرداختند، برای نمونه تیول‌سوار افغان در ناحیه اشرف با وساطت کنسولگری روس در بندرگز در سال ۱۳۳۴ق/ ۱۹۱۵م به تصرف یکی از اتباع گرجی روس درآمد (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۹: ۱۹۰).

ب) اجاره اراضی

در کنار افرادی که به تصرف عدوانی زمین‌ها مشغول بودند، عده‌ای نیز به اجاره اراضی و زراعت در آن پرداختند. برای نمونه، برخی از تاجران غیربومی و تجارت‌خانه‌ها همانند تجارت‌خانه تومانیانس اقدام به اجاره اراضی و منابع آبی و زراعت در مازندران کردند (ساکما، سند شماره ۲۴۰/۲۸۶)، تا بدین گونه به‌طور مستقیم در کشت محصولات و صادرات آنها نقش داشته باشند. روند اجاره اراضی اگرچه با ظاهری قانونی، برای مالکان منفعت در برداشت، اما برای مالک زمین این گونه نبود، زیرا با ایجاد هرگونه هرج و مرج و آشفتگی در منطقه، بسیاری از اجاره‌کنندگان از پرداخت اجاره‌بها امتناع می‌کردند و مالک را متضرر می‌ساختند.

اجاره اراضی حاصلخیز در میان اتباع روسی نیز رواج یافت و اجاره زمین توسط آنان در اسناد متعددی بازتاب یافته است. برای نمونه در سال

۱۳۳۰ق/ ۱۹۱۱م عده‌ای از اتباع روسی در روستاهای میانکاله مازندران به اجاره اراضی زراعی و سکونت و زراعت پرداختند (ساکما، سند شماره ۲۹۰/۲۳۷۱). در سال ۱۳۰۲ش/ ۱۹۲۳م نیز با اجاره اراضی در مناطق مختلف از اداره فلاح و تجارت و فوائد عام به کشت پنبه اقدام نمودند (ساکما، سند شماره ۲۴۰/۴۷۲۵). اجاره زمین به صورت فردی و گروهی صورت می‌پذیرفت، برای نمونه فردی به نام پولکونیک بیالونویچ، قره بلاغ واقع در استرآباد را برای زراعت اجاره کرد و یا اعضای کمپانی فلاح روسیه در گومیش تپه سکونت گزیدند و به زراعت شلتوک و پنبه مشغول شدند (نصیری مقدم، ۱۳۷۴: ۱۷۴).

گاه نیز اتفاق می‌افتاد که مالکان بومی منطقه، برای حفظ زمین‌های خود از تصرف عدوانی و مصادره آنها، به عنوان وثیقه بانک استقراضی روس به اتباع روسی اجاره می‌دادند. برای نمونه شعبه بارفروش بانک استقراضی برای جلوگیری از غارت املاک مفتخرالمالک، یکی از بزرگ مالکان مازندران، به وسیله نیروی دولتی موسوم به اردوی برق، در سال ۱۳۲۹ق/ ۱۹۱۰م املاک او را به اجاره درآورد. همچنین بسیاری اهالی محلی مازندران حتی برای استفاده از مزایای تحت‌الحمایه بودن روسیه، کشاورزان روسی را در مزارع خود استخدام می‌کردند، برای نمونه لطفعلی خان کلبادی، بزرگ مالک شرق مازندران، در سال ۱۳۲۸ق/ ۱۹۰۹م تعدادی کشاورز روسی را در زمین‌های خود اسکان داد (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۹: ۱۷۶-۱۷۷). با گذشت زمان استخدام و حضور کشاورزان روسی برای مالکان دردسرهایی ایجاد کرد. در حقیقت اجاره اراضی به

روس‌ها از یک سو موجب شد تا آنان به واسطه دلگرمی به کنسولگری و سفارت خود گاه از پرداخت اجاره‌بهای اراضی خودداری و اینگونه مالکان را از نظر مالی متضرر نمایند. از سوی دیگر نیز، قراردادهای اجاره‌ای درازمدت سبب گردید تا اتباع روسی مسأله ادعای مالکیت زمین را مطرح و در نتیجه زمین‌ها را از مالکیت مالکان خارج و به تملک خود درآورند (ساکما، سند شماره ۳۶۰/۶۱۰).

بدین ترتیب با خریداری زمین و تصرف عدوانی و اجاره اراضی توسط طبقات غیرزمین‌دار، مالکان بزرگی که در بیست سال آخر قرن نوزدهم در ایران ظاهر شدند، ترکیبی بودند از تجار و دولتیان زمین‌دار، که هر دو به بازارهای جهانی استعماری وابستگی داشتند (رواسانی، ۱۳۹۰: ۱۱۱). در پی این تحول، مالکیت خصوصی بنیاد مالکیت زمین شد و مالکان خصوصی مناسبات اربابی را گسترش دادند و در نتیجه مناسبات حاکم بر عمده‌مالکی، پس از تجاری شدن کشاورزی، در ساخت نظام ارباب - رعیتی تداوم یافت (حسن‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۷). البته بایستی به این نکته اشاره شود که گسترش مالکیت خصوصی علل مختلفی داشت و فقط به دلیل تجاری شدن کشاورزی و ارزش یافتن زمین در این دوره نبود. به عبارتی دیگر، به جز فقدان امنیت مالی و ترس از سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌ها، به‌ویژه صنعت، مهم‌ترین علت رشد مالکیت خصوصی، خرید اراضی خالصه و غصب زمین‌های دیوانی (تیول) بود (اشرف، ۱۳۵۲: ۱). دولت مرکزی برای پاسخ‌گویی به بحران مالی خود و به‌دلیل ویرانی و درآمد اندک زمین‌های خالصه، به نوعی «سیاست تعدیل ساختاری بدوی» رو کرد و برای اولین بار عده‌ای با پرداخت وجوهی و با خرید زمین به

صورت مالک درآمدند و از آن زمین‌ها، بهره مالکانه گرفتند. با فروش اراضی خالصه که از دوره ناصری آغاز شده بود، مالکیت بسیاری از روستاهای خالصه، شخصی شد و بدین ترتیب تعداد قابل توجهی از اراضی خالصه به مالکیت تیول‌داران سابق درآمد. پس از مشروطیت ۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۶م، خصوصی‌سازی مالکیت زمین رشد بیشتری یافت (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۹: ۱۶۸). بخش بزرگی از خریداران این املاک، از طبقه بورژوازی تجاری بودند که در مقابل پرداخت پول به شاه و دولت، به خرید اراضی دولتی و تبدیل آن به املاک اربابی اقدام کردند (فشاهی، ۱۳۶۰: ۱۷۱). بعد از مشروطه برای نخستین بار قوانین مدوئی در دفاع از مالکیت خصوصی تدوین شد (سیف، ۱۳۸۰: ۱۷۷). عامل دیگر لغو تیول‌داری توسط مجلس اول بود که سبب شد تمام اراضی تیولی عملاً به مالکیت متصرفان آن اراضی درآید (اشرف، ۱۳۵۲: ۱). با لغو تیول‌داری، جای تیول‌داران را مالکین بزرگ جدید گرفتند و این‌گونه املاک اربابی توسعه یافت. در نتیجه خوانین ایلات، روحانیان، فرماندهان قشون، همچنان املاک خود را حفظ و دولت نیز زمین‌های خالصه را تحت کنترل خود داشت (خسروی، ۱۳۵۸: ۲۳-۲۴) و تسلط آنان چه به صورت ملکی و چه به صورت وقفی، خالصه و اختصاصی باقی ماند (تحلیلی از شرایط جامعه روستایی در ایران، ۱۳۵۷: ۱۸).

نتیجه‌گیری

با رشد سرمایه‌داری وابسته در ایران، اقتصاد ایران به تحولات نظام جهانی و نیاز بازارهای غرب وابسته گردید. در این راستا کشاورزی ایران دستخوش تغییر شد و اراضی زراعی در پی رشد تجاری شدن

می‌داد، موجب گشت تا بسیاری از مالکان بومی به منظور جلوگیری از ضبط و تصرف اراضی خود، زمین‌های خود را به روس‌ها اجاره دهند و به منظور بهره از امتیاز اتباع روسی، کشاورزان خارجی را در زمین خود اسکان دهند. این مسئله و قراردادهای بلندمدت با روس‌ها موجب شد تا بسیاری از زمین‌ها از تملک افراد محلی خارج شود و این گونه بسیاری از کشاورزان بی‌زمین و تبدیل به دهقان مزدبگیر شوند.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۰). *اندیشه‌نوسازی در ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۰). *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران*. تهران: اطلاعات.
- اشرف، احمد (۱۳۵۲). *مشخصات اقتصادی و اجتماعی نظام‌های بهره‌داری کشاورزی در ایران*. تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز آموزش و پژوهش در برنامه‌ریزی منطقه‌ای.
- بدیع تبریزی، شمس‌الدین (۱۳۶۰). *مناسبات ارضی در ایران معاصر*. ترجمه غلامحسین متین. تهران: اخگر.
- تحلیلی از شرایط جامعه روستایی در ایران. مؤلف ناشناس. بی‌جا: بی‌نا. ۱۳۵۷.
- ترکمان، محمد (۱۳۷۸). *اسناد امیرمؤید سوادکوهی، از سال ۱۲۶۳ شمسی تا کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹*. تهران: نشر نی.
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۸۴). *گنج شایگان: تاریخ اقتصادی ایران*. تهران: سخن.
- حسن‌زاده، فرزانه (۱۳۹۱). «تحول نظام حقوق مالکیت زمین در ایران (از دوره مشروطه تا سقوط پهلوی اول)». به راهنمایی حسن زندیه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه تاریخ ایران اسلامی. دانشگاه تهران.

کشاورزی و صدور محصولات پولی به اراضی تجاری تبدیل شدند. مازندران یکی از ایالت‌های حاصلخیز ایران که از شرایط اقلیمی و مناسبی برای کشاورزی برخوردار بود از این امر مستثنی نبود. با تجاری شدن کشاورزی در مازندران، بسیاری از کشاورزان به کشت محصولات مانند برنج، پنبه، ابریشم و دیگر محصولات پرداختند و در نتیجه بهاء و ارزش زمین در این منطقه فزونی یافت و سبب شد تا علاوه بر مالکان و اهالی بومی مازندران، قشرهای مختلف جامعه از ثروتمندان، متفدین محلی، سران نظامی، مقامات کشوری، تاجران و حتی اتباع خارجی نیز به سرمایه‌گذاری در زمین اقدام نمایند. بسیاری از آنان با خریداری اراضی زراعی، به طبقه ملاک مازندران پیوستند و این گونه مالکیت خصوصی و به دنبال آن مناسبات اربابی گسترش یافت.

نیاز به اراضی بیشتر برای کسب سود، موجب شد تا بسیاری از اشخاص که از پایگاه و قدرت اجتماعی و نظامی برخوردار بودند به بهانه‌های مختلف اقدام به تجاوز و تصرف عدوانی زمین‌های اهالی بومی نمایند. حتی عده‌ای مانند تاجران با اجاره اراضی زراعی و سپس استنکاف از پرداخت اجاره زمین ضمن متضرر ساختن مالک در بلندمدت به تملک اراضی پرداخته و این گونه مالکیت خصوصی را گسترش دادند. در این میان خریداری و اجاره اراضی زراعی در میان اتباع خارجی و به ویژه روس‌ها نیز رواج یافت و آنان از حمایت سفارت روس و بانک استقراضی برخوردار بودند. این مسئله ضمن اینکه به اتباع روس در مقابل اهلی مازندران و حتی دولت ایران قدرت عمل بیشتری

- خسروی، خسرو (۱۳۵۸). *جامعه شناسی روستایی ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- راینو، لویی (۱۳۴۱). *سفرنامه مازندران و استرآباد*. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- رواسانی، شاپور (۱۳۹۰). *دولت و حکومت در ایران در دوره تسلط استعمار سرمایه داری: (شیوه تولید مستعمراتی - طبقه پیوسته به استعمار سرمایه داری)*. تهران: امیرکبیر.
- سیف، احمد (۱۳۸۰). *استبداد، مالکیت و انباشت سرمایه در ایران*. تهران: رسانش.
- سو، الوین (۱۳۸۰). *تغییرات اجتماعی و توسعه*. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۴۷). *جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران، آذربایجان از نظر جهانگردان*. تهران: شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران.
- عباسی، ابراهیم (۱۳۸۳). *دولت پهلوی و توسعه اقتصادی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عبداللهی، یف (۱۳۶۱). «روستایان ایران در اواخر قاجاریه». در: مجموعه مقالات مسائل ارضی و دهقانی. ترجمه مارینا کاظم زاده. تهران: آگاه.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۲۱۵-۱۳۳۲ ه.ق)*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.
- فشاهی، محمدرضا (۱۳۶۰). *تکوین سرمایه داری در ایران*. تهران: گوتنبرگ.
- فریزر، جیمز (۱۳۶۴). *سفرنامه فریزر*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: توس.
- فوران، جان (۱۳۸۹). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی*. ترجمه احمد تدین. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- فورتادو، سلسو؛ گوندرفرانک؛ آندره (۱۳۶۶). *توسعه و توسعه نیافتگی*. ترجمه حائری و دیگران. تهران: خسروی، خسرو (۱۳۵۸). *جامعه شناسی روستایی ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- کاظم بیگی، محمدعلی (۱۳۷۷). *موانع توسعه اقتصادی در ایران عصر قاجار: پژوهشی در تولید شکر در مازندران*. فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا. سال هشتم. شماره ۲۶ و ۲۷. (تابستان): ۲۱۹-۱۸۵.
- کاظم بیگی، محمدعلی (۱۳۸۹). «اصلاحات مالی مجلس اول و اجرای آن در مازندران». فصلنامه علمی - پژوهشی *تاریخ اسلام و ایران*. سال بیستم. دوره جدید. شماره ۶. پیاپی ۸۵. (تابستان): ۲۰۲-۱۶۳.
- کولاگینا، لودمیل (۱۳۵۹). *استیلا امپریالیسم بر ایران و تبدیل این کشور به نیمه مستعمره*. ترجمه سیروس ایزدی. تهران: علم.
- مکنزی، فرانسیس چارلز (۱۳۵۹). *سفرنامه شمال*. ترجمه منصور اتحادیه. تهران: گستره.
- ملگونف، گریگوری والریانف (۱۳۶۴). *سفرنامه ملگونف*. ترجمه مسعود گلزاری. تهران: دادجو.
- نصیری مقدم، محمدنادر (۱۳۷۴). *گزیده اسناد دریای خزر و مناطق شمالی ایران در جنگ جهانی اول*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- نوری، مصطفی؛ سرایلو، اشرف (۱۳۹۰). *اسناد استرآباد و دشت گرگان در دوره مشروطیت*. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- نوشیروانی، س.و (۱۳۶۱). «سرآغاز تجاری شدن کشاورزی در ایران». در: مجموعه مقالات مسائل ارضی و دهقانی. تهران: آگاه.
- وطن خواه، مصطفی (۱۳۸۰). *موانع تاریخی توسعه نیافتگی ایران*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- ولی، عباس (۱۳۸۰). *ایران پیش از سرمایه داری*. ترجمه حسن شمس آوری. تهران: نشر مرکز.
- هالینگبری، ویلیام (۱۳۶۳). *روزنامه سفر هیئت سرجان ملکم به دربار ایران در سال های ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱*.

ترجمه هوشنگ امیری. تهران: کتاب‌سرا.

Robert A. McDaniel, (1971) "Economic Change and Economic Resiliency in 19th Century Persia", *Iranian Studies*, Vol. 4, No. 1, p.37.

ساکما. سند شماره ۲۹۸/۵۰۶۳۴. سازمان اسناد و کتابخانه

ملی ایران.

ساکما. سند شماره ۲۴۰/۲۸۶. سازمان اسناد و کتابخانه

ملی ایران.

ساکما. سند شماره ۲۹۰/۲۳۷۱. سازمان اسناد و کتابخانه

ملی ایران.

ساکما. سند شماره ۲۴۰/۴۷۲۵. سازمان اسناد و کتابخانه

ملی ایران.

ساکما. سند شماره ۳۶۰/۶۱۰. سازمان اسناد و کتابخانه

ملی ایران.

اسناد آرشیوی

ساکما. سند شماره ۲۹۶/۲۲۸۱۲. سازمان اسناد و کتابخانه

ملی ایران.

ساکما. سند شماره ۲۹۳/۲۴۹۳. سازمان اسناد و کتابخانه

ملی ایران.

ساکما. سند شماره ۲۹۸/۸۴۶۴۲. سازمان اسناد و کتابخانه

ملی ایران.

ساکما. سند شماره ۲۴۰/۴۰۱۹۲. سازمان اسناد و کتابخانه

ملی ایران.

ساکما. سند شماره ۲۹۳/۱۸۸۹. سازمان اسناد و کتابخانه

ملی ایران.

مجلات و احصائیه‌های تجاری

فلاحت و تجارت، سال دوم، شماره ۹، ۱۲۹۸: ۳۲۷.

احصائیه‌های تجاری سال ۱۲۸۸ ش تا ۱۲۹۶ ش.